



از استیضاح دکتر فاضل تا وزارت بهداشت

سپید: این کار در اختیار شما بود یا از سطوح بالاتر کمک می گرفتید؟

زمان ریاست بنده، دکتر ایرج فاضل وزیر علوم بودند و دکتر علی اکبر صالحی، معاون آموزشی وزارت علوم، چند نفر دیگر در این تیم به من خیلی اعتماد داشتند و سیاست هایی را که پیشنهاد می دادم قبول می کردند. آن زمان نخست وزیر آقای موسوی بودند. همین الان گاهی وقتها به شهری می روم و می بینم فردی جراح خوبی است یا دکتر خوبی است یا رئیس بیمارستانی است، به من می گوید من در گزینش رد شدم و شما مرا پذیرفتید، متوجه می شوم که ما چقدر می توانیم در حفظ کردن افراد مؤثر باشیم. ما در تمام قرآن بسم الله الرحمن الرحیم داریم، پیامبر بعد از فتح مکه ابوسفیان را بخشید و این عاملی بود که اسلام توانست در تمام دنیا فرا گیر شود. به نظر من ما باید برای برای اسلام عزت و آبرو باشیم و آن را خرج اشتباهات و تندروی های خودمان نکنیم.

سپید: تا چه سالی ریاست دانشگاه را داشتید؟

تا سال ۶۵. من در دوران جنگ با وجود اینکه مسئول بودم اما ۶ ماه در جبهه ها در مقاطع مختلف به عنوان پزشک حضور داشتم. گاهی هم در قرارگاهها فرماندهان را اگر کسالتی داشتند، ویزیت می کردم. همکاری بسیار خوبی با جبهه ها داشتیم از نظر تولید دستگاه هایی که نیاز داشتند به خصوص دانشکده مهندسی. مثلا شناورهای نیاز داشتند که دانشکده مهندسی ما توانست تولید کند. معاون جنگ دانشگاه آقای دکتر شجاعی که بسیار فعال



تکرار کردم. ۹۰ درصد دانشجویانی که در گزینش رد شده بودند را برگرداندم و همین باعث شد که برای دکتر فاضل در مجلس دادرس درست کردند و ایشان را استیضاح کردند البته استیضاح رأی کافی نیامد چون آراء منتع بالا بود و شورای نگهبان تفسیری کرد که حتی آقای دکتر فاضل می توانست وزیر باقی بماند اما این تفسیر سه ماه بعد اعلام شد.

سپید: تفسیر شورای نگهبان چه بود؟

تفسیر این بود که شورای نگهبان تصمیم گرفت آراء منتع آراء منفی نیست و دکتر فاضل وزیر باقی ماند اما ایشان دیگر قبول نکردند که برگردند و استعفا دادند تا آیت اله هاشمی رفسنجانی پذیرفت، و من سرپرست وزارت بهداشت شدم و بعدا به عنوان وزیر بهداشت انتخاب شدم.

سپید: دلیل استیضاح دکتر فاضل چه بود؟

یک دلیل استیضاح ایشان همین اقدام برای برگرداندن افرادی بود که در گزینش رد شده بودند و دیگری انتصابات که در دانشگاه ها انجام داده بودیم. اینها باعث شد. نمایندگان در مجلس که حالا همگی جزء اصلاح طلبان هستند، مخالف این انتصابات بودند. من فکر می کنم مهمترین دلیل استیضاح این بود.

سپید: مخالفان دکتر فاضل در مجلس چه کسانی بودند؟

مخالفان دکتر فاضل اصلاح طلبان مجلس سوم بودند. دکتر فاضل چندان گرایشی هم به جناح راست نداشتند و فردی آزادی خواه و مستقل و معتقد به اصول اخلاقی است و هیچ گاه حاضر نبود معامله کند که مدت بیشتری وزیر بماند. ایشان واقعا فردی عاشق خدمت به مردم و کشور بود.

سپید: چه اتفاقی افتاد که شما وزیر شدید؟

من اصلا منتظر نبودم که وزیر شوم، چون تربیت شده بودم که پزشک و معلم دانشگاه باشم. اما از همان جوانی مسئولیت اجرایی قبول کردم و آیت اله هاشمی رفسنجانی به من پیشنهاد داد که شما باید وزیر شوی. من آن زمان ۳۹ ساله و یک جوان کم تجربه بودم و به هر حال باقیمانده آن دوره را وزیر بهداشت شدم یعنی از سال ۶۹ تا ۷۲.

سپید: از مهمترین مسائل دوره وزارتتان بفرمایید، اواخر جنگ بود که شما وزیر شدید. و در واقع وارد دوران سازندگی شده بودیم

اولویت مهم ما بازسازی بود. یکی از کارهای اصلی که من در دوران معاونت آموزشی انجام دادم این بود که سعی کردیم، رشته های تخصصی و فوق تخصصی لازم را در کشور راه اندازی کنیم. اولین مشکلمان این بود که افراد متخصص نداشتیم و من حدود ۱۰۰ نفر را از دانشگاه های مختلف انتخاب کردم و در بهترین دانشگاه



الهام نقدی

سپید: زمانی که شما وزیر شدید بعد از جنگ بود و خیلی از زیرساخت های کشور و صنعت از بین رفته بود و بیماری های عفونی وجود داشت اما امروز این مشکلات را نداریم.

آن زمان ما یک بحث و مشکل مهم در دارو داشتیم و زمانی بود که نرخ ارز برای اولین بار ۴۰ تومان شد و ما باید صنعت دارو را حمایت می کردیم و در دارو فعالیت می کردیم. یکی از آورده های این نظام که از قدیم بود این بود که قیمت دارو در ایران ارزان بود و ما در جمهوری اسلامی طرح ژئوپولیتیک را داشتیم که داروها در ایران با ارزترین قیمت در دنیا وجود داشت. من تلاش کردم که نهایت حمایت را از صنعت دارو داشته باشم. به کارخانه های زیادی مجوز تأسیس دادیم اما خیلی از آنها نتوانستند بعد از آن خودشان را به روز کنند.

سپید: شما در شرایط خاصی وزیر شدید، در شرایطی که وزیر قبلی استیضاح شد و فضای سیاسی مجلس تغییر کرد، آیا شما چالش های سیاسی هم داشتید که برای شما مشکل ایجاد کند؟

بزرگترین مشکل همان بود که در دانشگاه شهید بهشتی برای انتصاب رئیس دانشگاه داشتیم و خوشبختانه با مجلس ارتباط خوبی داشتیم و مشکل خاصی نداشتیم. اما برای من سخت ترین کار رفتن به مجلس بود چون هر موقع که می رفتم از من درخواستی داشتند یکی از غیر منطقی ترین درخواست ها این بود که نماینده یک شهر کوچک می آمد و از ما برای شهرشان بیمارستان یا دانشکده پزشکی می خواست.

سپید: رابطه تان با مجلس خوب بود؟

فکر می کنم برخی از این بیمارستان ها ساخته شد. بله، تعدادی از این نمایندگان ۱۹۰ بیمارستان را در بین خودشان تصویب کرده بودند و بین خودشان هم تقسیم کرده بودند که هر بیمارستان در یک شهر باشد. زمانی که من به وزارت رسیدم زیر بار ساخت هیچ کدام از بیمارستان هایی که قرار بود ناپیچا ساخته شود نرفتم. سعی کردم بودجه ای را که دارم صرف بازسازی بیمارستان های موجود کنیم و ساخت بیمارستان را در جاهایی که لازم است شروع و یا تکمیل کنیم.

سپید: کی ازدواج کردید و چند فرزند دارید؟

سالی که اترن بودم و همزمان رزیدنت هم بودم یعنی سال ۵۶ ازدواج کردم و چهار فرزند دارم که سه تای آنها پزشک هستند. فرزند اول دخترم است که متخصص داخلی است و در دانشگاه تهران کار می کند. دختر دوم نیز در حال گرفتن تخصص عفونی است و فرزندان سوم دو قلو هستند که یکی رزیدنت سال دوم داخلی است و علاقه به گوارش دارد و دختر دیگر هم فوق لیسانس معماری از دانشگاه تهران است. ■

ادامه

پرشین کوهورت ماحصل زندگی من است

سپید: بعد از وزارت به دانشگاه برگشتید؟

همیشه فکر می کنم یکی از بزرگترین لطف های خدا به من این بود که از وزارت نجات پیدا کردم. بعد از وزارت خیلی دوست داشتم به دانشگاه شیراز برگردم و دانشگاه شیراز هم خیلی مشتاق بود ولی چون همسرم تهرانی است و زمانی او را به شیراز بردم و گفتم تحت هیچ شرایطی به تهران بر نمی گردم اما به تهران برگشتم و به خاطر برخی ملاحظات می داشتم در تهران ماندم و آمدم به دانشگاه تهران و به آرزوی همیشگی ام که تحقیق روی سرطان بود رسیدم.

زمان زیادی داشتم که مطالعه بزرگی را در شمال ایران طراحی کنم یعنی جایی که بیشترین میزان شیوع سرطان مری در دنیا است. گنبد، آق قلا و کلاله. به خصوص مناطق روستایی، در این سه شهر شیوع سرطان نزدیک به ۲۰۰ در ۱۰۰ هزار در سال بود. قبل از انقلاب گروهی از خارج آمده بودند و با همکاری دانشکده بهداشت دانشگاه تهران فعالیت هایی را شروع کردند و با انقلاب کارشان نیمه تمام ماند. من علاقه داشتم این کار را ادامه بدهم. یک تیم در دانشگاه تهران تشکیل دادیم و سفرهای متعددی به استان گلستان و همه جای دنیا داشتیم. از جمله چین و آفریقای جنوبی. یک تیم بین المللی تشکیل دادیم و توانستیم مطالعه کوهورت استان گلستان را پی ریزی کنیم. کتابی در این مورد نوشته ام که حاصل بررسی های ما است. ما توانستیم برای اولین بار در ایران و خاورمیانه مطالعه کوهورت بزرگ ۵۰ هزار نفری را انجام دهیم. راه اندازی اش پنج سال طول کشید، دوسال طول کشید که در آنجا مستقر شویم. یک خاطره دارم از ورود به گلستان پس از دوره وزارت که پرسیدم چند خانه بهداشت دارید و گفتند ما آن ۱۰۰ خانه بهداشتی را که شما بوجه دادید، ساختیم و دیگر کم نداریم. خوشحال شدم از اینکه نتیجه تلاشم در وزارت بهداشت را می دیدم.

با دکتر بوفتا، دکتر آبت و خانم دکتر فیزر جerald محققان ارشد از آژانس بین المللی تحقیقات سرطان، مرکز ملی سرطان آمریکا و مرکز تحقیقات سرطان دانشگاه کمبریج انگلستان در مرکز کوهورت گلستان؛ ۱۳۸۶ بالاترین شیوع سرطان مری در سطح جهان از منطقه گنبد کاووس ایران توسط WHO

این مطالعه که در ۳۳۶ روستا اجرا میشود همچنان ادامه دارد. در وهله اول ما به دنبال عوامل موثر بر سرطان مری در استان گلستان بودیم که به ۱۰ عامل رسیدیم و به صورت مقالات در مجلات علمی معتبر به چاپ رسیده است.

سپید: چه عواملی بودند؟

دو علت آن را سازمان بهداشت جهانی (WHO) به عنوان یک اصل پذیرفته است. اولین عامل چای داغ بود و اخیراً WHO یک مونوگراف منتشر کرد که نوشیدن هر نوع مایع داغ سرطان زا است زیرا نفوذپذیری مری را بالا می برد و دیگر مواد سرطان زا بیشتر وارد بدن می شوند. تیم پژوهشی تحقیقات سرطان متشکل از ۴۵ نفر از کشورهای ایران، آمریکا، اروپا، برزیل، آفریقای جنوبی و ژاپن گنبد کاووس ایران؛ ۱۳۹۲ ده عامل خطر (ریسک فاکتور) مهم سرطان مری در ایران حاصل ۱۵ سال تحقیقات در منطقه شرق استان گلستان

عامل دیگر تریاک است که ۸ هزار نفر از ۵۰ هزار نفر افراد شرکت کننده در مطالعه ما در گلستان تریاک را به صورت تقریبی مصرف می کردند و هر شب نیم گرم تریاک می خوردند و ما برای اولین بار در دنیا ثابت کردیم که تریاک خطر ابتلا به سرطان را افزایش می دهد. خطر سرطان مری را دو برابر و سرطان معده را سه برابر و سرطان مثانه را چهار برابر و سرطان لوزالمعده را نیز دو برابر می کند. حتی نقش تریاک در بروز سرطان در آن منطقه از سیگار بیشتر و مهمتر است.

عامل دیگر بهداشت پایین دهان بود. مردم عادت به مسواک زدن نداشتند و برخی در آنجا حتی دندانهایشان را به علت برخی اعتقاداتشان پر نمی کردند و می گفتند امکان دارد روی نمازشان اثر بگذارد. دلیل دیگر فقر و بی سواد بودن بود. در آن زمان هاست. عامل دیگر عدم مصرف میوه و سبزیجات. و دلیل دیگری که برای اولین بار گزارش کردیم تماس با حیوانات بود. در منطقه ترکمن صحرا قبل از انقلاب در خانه زندگی نمی کردند و اکثرا در آلاچیق زندگی می کردند و شانس سرطان در این افراد بیشتر بود و این سؤال وجود داشت که علت چیست؟ اولین فرضیه این بود که به خاطر ویروس بوابین است که از حیوان به انسان منتقل می شود و تحقیقات ما برای یافتن علت اینکه چرا تماس با حیوانات سرطان را زیاد می کند، ادامه دارد. چند علت دیگری را برای سرطان پیدا کردیم و علت اینکه سرطان مری در گنبد کاووس در خانم ها برابر آقایان بود و این منطقه تنها جایی بود در دنیا که این گونه بود. علت این بود که خانم ها با آلودگی هوای خانه بیشتر در تماس بودند، چون با دود و ذغال سر و کار داشتند. برای گرم کردن خانه و پختن نان. ■

